

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين و صلي الله علي سيدنا محمد و آله الطاهرين

خلاصه بحث گذشته:

بحث در این آیه شریفه دهم از سوره مبارکه دخان است «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ»^[1] در بحث گذشته عرض کردیم که در این آیه شریفه سه احتمال وجود دارد؛ یک احتمال که کثیری از اهل سنت بر همین احتمال اول مشی کردند در تفاسیر خودشان این است که این آیه مربوط به یک قضیه‌ای بوده در زمان رسول خدا و نفرینی بوده که رسول خدا(ص) نسبت به قوم خودشان داشتند. بحثش را مفصل گفتیم و عرض کردیم مهمترین اشکالی که بر این تفسیر وارد است این است که یک واقعیت مسلمی را که این از امتیازات مخصوص پیامبر(ص) است را مورد نفی قرار می‌دهد و آن واقعیت مسلم این است که رسول خدا مانند انبیاء دیگر از خدا طلب عذاب برای قومش نفرموده.

تحقیق در احتمال اول:

اولاً ما در خود قرآن کریم آیاتی داریم که خدا می‌فرماید ما اینها را عذاب نمی‌کنیم «وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ»^[2] این تصریح خود قرآن است و ثانیاً در کتب تاریخی و سیره نویسان هیچ کدام این قضیه را بیان نکردند. در خود منابع اهل سنت هم در کتب تاریخی‌شان وجود ندارد، آن وقت چطور شده که این مطلب در تفاسیر اینها وارد شده و این روایت که حالا آلوسی هم می‌گوید روایت صحیحه داریم که این مربوط به عذابی بوده، قحطی بوده که پیامبر نفرین فرمود و مردم گرفتار آن شدند، این روایت یقیناً از روایات جعلی است که وارد کتب تفسیری اهل سنت شده و یهود می‌خواستند از این طریق این ویژگی رسول خدا را هم مورد انکار قرار بدهند. حالا عرض کردم خود آقایان باز مراجعه بفرمایید به کتب تاریخی، در تاریخ هم بر فرض اگر یک تاریخ ضعیفی هم این را نقل کند باز قابل اعتنا نیست، برای اینکه با خود آیات دیگر قرآن که خدا می‌فرماید تا مادامی که رسول خدا در میان اینهاست اصلاً عذاب نمی‌کند، این اصلی بوده در زمان رسول خدا، از ویژگی‌های رسول خدا بوده، یعنی آدم از برخی از این آیات می‌تواند اینطور استفاده کند که خدای تبارک و تعالی به رسول خدا فرموده اگر هم نفرین می‌کنی برای عذاب ما عذاب نمی‌فرستیم! در این حد بوده. بنابراین نمی‌شود این احتمال را پذیرفت.

احتمال دوم این است که بگوئیم يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُحَانٍ مُّبِينٍ يَغْشَى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ مراد از يوم، خود روز قیامت است، بگوئیم خدای تبارک و تعالی می‌فرماید فارتقب يوم تحت تأتي السماء، روزی که آسمان، دخان مبین دارد و این عذاب همه را فرا می‌گیرد. بگوئیم مراد روز قیامت است و اشاره به قبل از قیامت هم ندارد، یکی از عذاب‌های روز قیامت همین دخان مبین است.

اینجا چند اشکال به این معنا شده؛ اشکال اولی که کردند گفتند آیه دنبالش دارد «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»^[13] در آیه دوازدهم مردم وقتی که این دخان مبین را می‌بینند دعا می‌کنند و از خدای تبارک و تعالی تقاضا می‌کنند رفع عذاب را «إِنَّا مُؤْمِنُونَ» وعده می‌دهند که ما ایمان می‌آوریم. بعد خدا می‌فرماید «أَتَى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُبِينٌ»^[14] یعنی چه جایی است برای ذکری و برای یادآوری در حالی که قبلاً رسول آمده و این هم به شما گفته و انذار داده، تبعیت نکردید یا «عنا» را به معنای «کیف» هم بیان کردند «ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلِّمٌ مِّثْنُونَ»^[15] رسول آمد و به او پشت کردید و گفتید معلّم مجنون است «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ»^[16] این هم اشکال دوم است که اگر این مربوط به قیامت باشد دیگر قیامت دعا کردن و رفع عذاب معنا ندارد! در حالی که در آیه پانزدهم می‌دهم «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» ما یک مدت کمی عذاب را برطرف می‌کنیم «إِنكُمْ عَائِدُونَ» اینها دوباره برمی‌گردند، یعنی به همان ضلالت و گمراهی خودشان برمی‌گردند، ما یک مقدار عذاب را که برداشتیم اینها حالت راحتی خودشان را پیدا کردند باز برمی‌گردند به حالت ضلالت. اینطور بیان شده که دنباله آیات هیچ تناسبی ندارد با اینکه ما بیایم این را برای روز قیامت قرار بدهیم، خصوصاً این آیه شانزدهم «يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنْتَقِمُونَ»^[17] اگر آن «یوم تأتی السماء بدخان مبین» باشد اشکال شده که این نبطش البطشة الکبری را چطور می‌خواهید معنا کنید؟ پس این احتمال که ما بگوئیم یوم تأتی السماء مربوط به قیامت است، این با خود آیات سازگاری ندارد، «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ»^[18] «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» اینها با این یوم قیامت سازگاری ندارد!

اشکال دیگری که داریم این است که آیه می‌فرماید «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ» یعنی آسمان می‌آورد دخان را، در حالی که اگر این آیه مربوط به روز قیامت باشد ما آیات دیگری در قرآن کریم داریم که قیامت آسمان باقی نمی‌ماند. ظاهر آیه این است که یوم تأتی السماء یعنی سماء هست، به همین وضع ظاهری خودش هم هست، اما از این سماء به جای اینکه باران ببارد دود اشکار می‌آید، دخان مبین می‌آید.

شما در آیات دیگر قرآن ملاحظه کنید در مورد اینکه آسمان در روز قیامت چه می‌شود؟ «يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجِلِ لِلْكِتَابِ»^[19] روزی که ما آسمان را همانند اینکه یک طومار را به هم می‌پیچند، نوشته‌ای را بهم می‌پیچند، آسمان را اینطوری جمع می‌کنیم، یعنی دیگر آسمانی باقی نمی‌ماند، این آسمان دیگر نخواهد بود! «وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ»^[10] زمانی که آسمان شکافته می‌شود «يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ»^[11] آسمان مثل یک فلز گداخته شده «يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا»^[12] آسمان به لرزه در می‌آید، حالا اینها قابل جمع است، به لرزه در می‌آید، شکافته می‌شود، گداخته می‌شود! اینها شاید مراحل تدریجی آن است. «وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ»^[13] زمانی که آسمان کَنده می‌شود، حالا ما نمی‌دانیم چه می‌شود؟ ولی ظاهر آیه می‌گوید از بین می‌رود «إِذَا السَّمَاءُ انْفَطَرَتْ»^[14] آسمان شکافته می‌شود.

ما باشیم و این آیه «يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُبِينٍ» یعنی آسمان هنوز هست نه شکافته شده، نه گداخته شده، نه می‌لرزد اما از این آسمان به جای اینکه باران بیاید دخان مبین در این آسمان است. پس این نمی‌تواند اشاره به روز قیامت داشته باشد، چون در آیات دیگری که در قرآن کریم هست در مورد آسمان تکلیفش روشن است که آسمان در روز قیامت می‌لرزد، شکافته می‌شود، بهم پیچیده می‌شود، فلز گداخته می‌شود، تکلیفش را روشن کرده و حالا در مورد سماء برخی از مفسرین می‌گویند سماء مطلق العلو، هر چه در جهت علو است، نه فقط این آسمان دنیا، حالا در بعضی آیات دیگر داریم «إِنَّا زَيْنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَاكِبِ»^[15] اما اینجا مطلق آسمان است، هر چه در جهت بالا وجود دارد، یعنی آنچه که انسان در ذهنش هست که حالا در روز قیامت جهنمی را درست می‌کنند، انسان را می‌برند داخل در این جهنم، این یک جزئی از جزئیات عذاب الهی است، انسان وقتی می‌بیند بالای سرش فلز گداخته است، یا خودش شکافته می‌شود، تمام اجرام آسمانی، که من عرض می‌کنم ظهور در تمام این کواکب دارد نه فقط آسمان دنیا، آن چگونه خواهد بود؟ که عذابی است که واقعاً آدم نمی‌تواند تصورش را داشته باشد.

پس این قرینه از همه اینها بهتر است چون در مورد آن اشکالی که دنباله‌اش دارد «رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ» با آیه

«إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» قابل توجیه است که این به صورت تعلیقی است، یعنی لو کشفنا عنهم العذاب اگر ما عذاب را هم از شما برداریم دوباره به همان گمراهی برمی‌گردید، اینطور نیست که بگوئید حتماً بر این معنا قرینه می‌شود که باید این «یوم تأتی السماء» روز قیامت نباشد. به نظر من آنچه که قرینه خیلی روشن است همین است، تأتی السماء بدخان، آسمان هست و دخان آسمان را می‌آورد، اما آسمان سر جای خودش است و پیچیده و لرزیده و گداخته نشده و این مربوط به قیامت نمی‌تواند باشد.

چون بحث ما در اشراف الساعه است این احتمال سوم احتمال خیلی قوی است و روایاتی هم در کتب شیعه و هم در کتب اهل سنت در ذیل این آیه بر این احتمال سوم آمده که بگوئیم این اشاره به یکی از علائم قیامت است، یعنی قبل از قیامت یکی از علائم قیامت این است که یک دود غلیظی آسمان را فرا می‌گیرد، مردم هم دعا می‌کنند که خدایا این عذاب را برطرف کن، خدا هم می‌فرماید «إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ» ما عذاب را در یک مدت کمی برطرف می‌کنیم ولی اینها دو مرتبه به گمراهی خودشان برمی‌گردند.

مؤید این احتمال این است که ما اگر یوم تأتی السماء را مربوط به قبل از قیامت و از اشراف الساعه گرفتیم آن وقت یوم نبطش البطشة الکبری، که آن عذاب کبری است، بطش یعنی اگر چیزی را انسان با شدت بگیرد، دستگیر کردن برای مجازات، گرفتن برای مجازات را عرب بطش می‌گوید، این دیگر خیلی ظهور خوبی پیدا می‌کند یعنی سیاق آیات و ترتیب آیات، اول می‌فرماید فارتقب آن روزی که از آسمان دخان می‌آید، بعد از یک مدتی یوم نبطش البطشة الکبری است.

سیوطی از رسول خدا(ص) نقل می‌کند که چهار چیز از نشانه‌های قیامت است، یکی ظهور دجال، دوم نزول عیسی علیه السلام، سوم آتشی که از قعر سرزمین عدن برمی‌خیزد و چهارم دخان. راوی و یکی از اصحاب از رسول خدا سؤال کرد دخان چیست؟ پیامبر این آیه را تلاوت فرمودند «فَارْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ» فرمود «یملا ما بین المشرق و المغرب یمکث أربعین یوما و لیلۃ أما المؤمن فیصیبه منه کهیئة الزکمة و أما الکافر بمنزلة السكران یرج من منخریه و أذنیه و دبره»^[16] این دخان کل آسمان را می‌گیرد وقتی می‌گوید بین المغرب و المشرق یعنی هیچ جای آسمان نیست که دخان در آن نباشد! چهل شبانه‌روز می‌ماند مؤمن از این دخان مثل یک آدم زکامی می‌شود یعنی این مقدار کمی به او اذیت وارد می‌شود، و کافر از تمام منافذ بدنش دود بیرون می‌آید و این دخان داخل بدن او می‌شود و از تمام منافذ بدنش خارج می‌شود. شبیه این روایت را در بحار الأنوار از غیبت شیخ طوسی با سندش هم نقل می‌کند که روایت را احمد بن ادریس بن علی بن محمد بن قطیبه عن الفضل بن شاذان عن ابن فضال عن حماد عن العیسی بن المختار عن ابی نصر عن آمر بن باطنه عن امیرالمؤمنین(ع) قال قال رسول الله(ص) که امیرالمؤمنین از رسول خدا نقل کردند که ایشان فرمودند «الغیبة للشیخ الطوسی» [ابن فضال عن حماد عن الحسین بن المختار عن ابی نصر عن عامر بن واثله عن امیر المؤمنین ع قال قال رسول الله ص عشر قبل الساعة لا بد منها] قبل از قیامت ده علامتی است که باید باشد، «السُّفْیَانِیُّ وَ الدَّجَالُ وَ الدُّخَانُ وَ الدَّابَّةُ وَ خُرُوجُ الْقَائِمِ وَ طُلُوعُ الشَّمْسِ مِنْ مَغْرِبِهَا وَ نُزُولُ عِیْسَى ع وَ خَسْفٌ بِالْمَشْرِقِ وَ خَسْفٌ بِجَزِيرَةِ الْعَرَبِ وَ نَارٌ تَخْرُجُ مِنْ قَعْرِ عَدْنٍ تَسُوقُ النَّاسَ إِلَى الْمَحْشَرِ».^[17]

و خود آلوسی در تفسیرش می‌گوید: «قال علی (ع) و ابن عمر و ابن عباس و ابو سعید الخدری و زید بن علی و الحسن إنه دخان یأتی من السماء قبل یوم القيامة» در ذیل همین آیه دارد که این مربوط به خود قیامت نیست از اشراف و نشانه‌های قیامت است قبل یوم القيامة می‌آید یدخل فی أسماء الکفره، حتّی یکون رأس الواحد کالرأس الحنیض» سر کافر مثل سر یک گوسفند پخته شده می‌ماند اما مؤمن اینجا در همین روایت دارد کهیئة الزکام.

آن عذابی که انبیاء خواستند برای قومشان عمومی بوده، یعنی نمی‌گفتند این آدم اگر اینجا بود گرفتار نشود، مگر اینکه به او خبر می‌دادند که بیرون برود، آنچه که به عنوان اشراف الساعه می‌گوئیم مثل عذاب خود قیامت، چطور عذاب قیامت مؤمنین را نمی‌گیرد؟ اشراف الساعه هم نسبت به مؤمنین همینطور است، قبل از قیامت این دود می‌آید ولی این دود پدر کفار و منافقین را

در می‌آورد و خودش عذاب سختی برای آنهاست، ولی نسبت به مؤمنین کهیئة الزکمه می‌شود.

وصلی الله علی محمد و آله الطاهرين

[1] - الدخان: 10/11

[2] - انفال/ 33

[3] - الدخان/ 12

[4] - الدخان/ 13

[5] - الدخان/ 14

[6] - همان/ 15

[7] - همان/ 16

[8] - همان/ 16

[9] - انبیاء/ 104 .

[10] - مرسلات/ 9.

[11] - معارج/ آیه 8.

[12] - طور/ آیه 9.

[13] - تکویر/ آیه 11.

[14] - انفطار/ آیه 1.

[15] - صافات/ 6

[16] - الدر المنثور في تفسیر المأثور، ج 6، ص: 29

[17] - بحار الأنوار ج : 52 ص : 209